

Michael Mann's Special Issue

With a review of the works of

Public Enemies

Miami Vice

Collateral

Ali

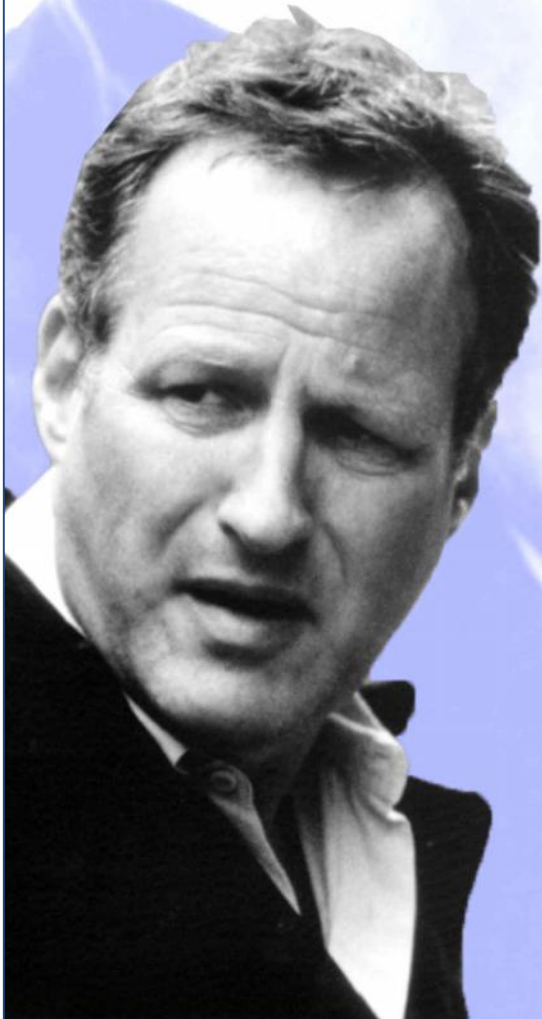
The Insider

Heat

The Last of the Mohicans

Manhunter

Thief



www.academyhonar.com



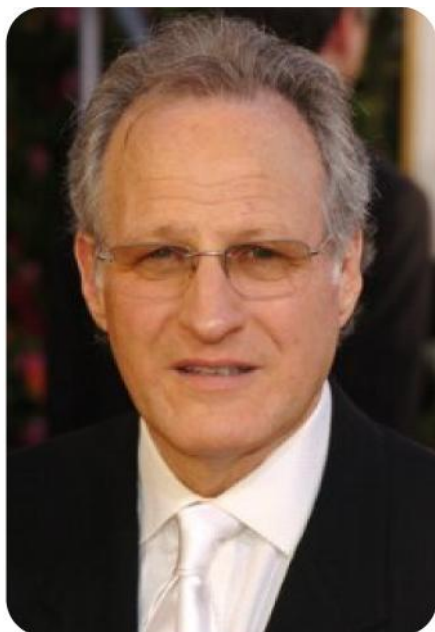
فهرست مطالب

۱	در مورد مایکل مان
۵	سرمقاله: بازسازی دقیق شمایل انسان (مهدی فیاضی کیا)
۶	سارق: یک زندگی کمتر معمولی (برنا حقیقی)
۷	آخرین بازمانده موهیکان‌ها: ما این جا بودیم ... (دامون قنبرزاده)
۸	مخمصه: رستگاری در سی ثانیه! (حسام کاظمی)
۹	نفوذی: ذهن هوشیار جامعه (وحید شفق)
۱۰	علی: قدرت و افتخار (مجید رحیمی جعفری)
۱۱	شریک جرم: غمخوار جنایتکاران (وحید شفق)
۱۲	فساد میامی: لذت از عیار کارگردانی مایکل مان (مهدی میرقادری)
۱۳	دشمنان مردم: دلینجر مرده است (امید پاشایی)

مایکل کنت مان (Michael Kenneth Mann)

کارگردان، فیلمنامه نویس، تهیه‌کننده و عضو هیئت علمی دانشگاه فیلم لندن

متولد: ۵ فوریه ۱۹۴۳ شیکاگو (ایلی‌نوی)



مایکل کنت مان در شیکاگو در یک خانواده یهودی خواربارفروش به دنیا آمد. پدرش یک مهاجر اوکراینی بود که در جنگ جهانی دوم مانند سربازی کهنه کار خدمت کرد. مادرش متعلق به یک خانواده محلی شیکاگویی بود. مان رابطه نزدیکی با پدر و پدربزرگش داشت. او در نزدیکی هامبولت پارک بزرگ شده و نوجوانی خود را با کار در موزیک بلوز شیکاگو گذرانده است.

مایکل مان در دانشگاه ویسکانسین-مدیسن زبان انگلیسی خواند و به تاریخ، فلسفه و معماری علاقه‌مند بود. در همین دوران بود که برای اولین بار فیلمی از استنلی کوبریک به نام **دکتر استرنج لائو** ۱۹۶۴ را تماشا کرد و عاشق فیلم شد. در مصاحبه‌ای با «هفته‌نامه لس آنجلس»، او در توضیح

اثر این فیلم بر خود گفت: «این فیلم به تمام فیلمسازان هم نسل من می‌گوید که شما می‌توانید سبک منحصر به فرد خودتان را در حد کمال پرورش دهید و فیلم‌های مستقلی داشته باشید که به طور همزمان مورد توجه تماشاگران زیادی قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر اگر می‌خواهید در جریان اصلی صنعت فیلمسازی دنیا کار کنید، مجبور نیستید که فیلم «هفت عروس برای هفت برادر» «استنلی دانن -۱۹۵۴ (را بسازید یا مطیع سیستم فیلمسازی نیچه‌ای موجود شوید. این همان چیزی است که کوبریک قصد داشت به ما بفهماند.»



مان در اواسط ۱۹۶۰ به منظور ادامه تحصیل به دانشگاه فیلم لندن رفت. پس از این که هفت سال را در بریتانیا به دانشگاه سینما رفت، همراه با هم نسل‌هایش آلن پارکر، ریدلی اسکات و آدریان لین به ساخت آگهی‌های تبلیغاتی پرداخت. در سال ۱۹۶۸ فیلم‌هایی که او از انقلاب دانشجویان پارسی گرفت در یک فیلم مستند به نام **قیام** در برنامه **سه شنبه اول** شبکه‌ی NBC به نمایش گذاشته شد. بعد از آن او از تجربیاتش در سال ۶۸ فیلم کوتاهی بنام «Jaunpuri» ساخت که جایزه هیئت داوران جشنواره فیلم کن را در سال ۱۹۷۰ به خود اختصاص داد.

مان در سال ۱۹۷۱ پس از این که از همسر اولش جدا شد برای ساخت یک مستند جاده‌ای به نام **۱۷ روز زیر خط** به ایالات متحده برگشت. مان سال ۱۹۷۱ نمایشی به نام **داستان پلیس** را به همراه جوزف ومبوگ - پلیسی‌نویس مشهور- نوشت. **داستان پلیس** در بیان جزئیات واقع‌گرایانه زندگی واقعی پلیس‌ها بسیار رضایت‌بخش بود و مان به ضرورت تحقیق اولیه برای اعتبار بخشیدن به کارهایش پی برد.

اولین فیلم قابل توجه او که در قطع تلویزیونی ساخته شد، **جریکو مایل** نام داشت که به صورت تخت‌تر هم در اروپا به نمایش درآمد. این فیلم جایزه امی بهترین فیلم تلویزیونی و بهترین کارگردانی را در سال ۱۹۷۹ از آن خود کرد. او در تلویزیون با دو سریال **میامی وایس** و **داستان پلیس** بعنوان مدیر تهیه همکاری داشت. بر خلاف باور عمومی، او این سریال‌ها را نساخته و فقط بعنوان مدیر تهیه با این سریال‌ها همکاری داشت ولی با این حال تاثیرات سینماتیک او بر روی بازی و سبک این سریال‌ها دیده می‌شود. در حال حاضر مایکل مان نه تنها کارگردانی آینده‌دار بلکه یکی از بهترین فیلمسازان آمریکاست. سبک بسیار متمایز او در کارهایش پیداست.

دانته اسپینوتی به عنوان مدیر فیلمبرداری بیشترین همکاری را با مان داشته است. مان علاقه زیادی به مناظر بی‌روح شهری دارد و در سبک تصویری کارش اغلب بر دورنگ آبی بی‌رنگ و سفید استریل تاکید دارد. اولین کار سینمایی موفق مان به عنوان کارگردان فیلم **سارق** (۱۹۸۱) با بازی درخشان جیمز کان بود. تریلر هوشمندانه‌ای که در آن با استفاده از سبک خاص خود ثروت و احساس را در کنار هم قرار داده است. فیلم بعدی او **محافظ** (۱۹۸۳) بازنگری اشغال رومانی توسط نازی‌هاست که به آن بُعد ماورالطبیعه داده شده است. کار از نظر تجاری با شکست روبه‌رو شد و تا آن جا پیش رفت که تقریباً یونیورسال متقاعد شد کسی برای تماشای فیلم به سینما نخواهد آمد. اگر چه ۹۶ دقیقه فیلم خیلی کوتاه‌تر از چیزی بود که مان قصد داشت عرضه کند، اما فیلم توانست هواداران زیادی در بین دوستداران سینما بیابد ولی هنوز پخش آن به صورت DVD باقی مانده است.



در سال ۱۹۸۶ مان اولین کسی بود که برایان کاکس را در شخصیت هانیبال لیکتر در فیلم **شکارچی انسان** به نمایش گذاشت. در مقدمه‌ی DVD **شکارچی انسان** ویلیام پترسون توضیح می‌دهد که به دلیل دقت و توجه بیش از حد مان بر کارهایش ساخت این فیلم چندین سال به طول انجامیده است. در سال ۱۹۹۲ فیلم اقتباسی او از کتاب فنیمور کوپر با نام **آخرین بازمانده موهیکان‌ها** با اقبال عمومی روبه‌رو شد. مان در این فیلم با همکاری فیلمنامه‌نویس کریستوفر کرو توانسته فضایی ایجاد کند که در آن ستمگری، غیرتمندی، دلخستگی، انتقام‌جویی و غرور موجود در جامعه سرخپوستی را به خوبی نمایش دهد. بزرگ‌ترین موفقیت وی در نزد منتقدان در دهه ۱۹۹۰ با دو فیلم **مخمصه** (۱۹۹۵) و **نفوذی** (۱۹۹۹) بود. در فیلم **مخمصه** رابرت دنیرو و آل پاچینو و در **نفوذی** راسل کرو نقش‌های اصلی را بر عهده داشتند.

در فیلم بعدی‌اش **علی** (۲۰۰۱) با بازی ویل اسمیت کار با دوربین دیجیتال را تجربه کرد. این فیلم به شهرت بیشتر ویل اسمیت کمک کرد و او نامزد دریافت جایزه اسکار شد. در **شریک جرم** او تمامی نماهای خارجی را با دوربین دیجیتال تصویربرداری کرده و به همین دلیل توانست جزئیات بیشتری را در نماهای شب تصویر بگیرد، در حالی که بیشتر نماهای داخلی فیلم با دوربین آنالوگ فیلمبرداری شده است. در سال ۲۰۰۴ مان در مقام تهیه‌کننده فیلم «هوانورد» را بر اساس زندگی هاوارد هیوز ساخت. نقش هاوارد هیوز را لئوناردو دی کاپریو برعهده داشت.

بعد از آن مان فیلم اقتباسی **میامی وایس** را کارگردانی کرد. در سال ۲۰۰۹ مان **دشمنان مردم** را برای کمپانی یونیورسال نوشته و کارگردانی کرده است. **دشمنان مردم** درباره فضای ناامیدکننده موج جنایی آمریکا در دهه ۳۰ براساس کتاب ارزشمند برایان بروگ با همین نام است که بزرگ‌ترین موج جنایت آمریکا و ایجاد FBI را در سال ۳۴-۱۹۳۳ مورد بررسی قرار داده است. **دشمنان مردم** یک فیلم بلند ۱۴۰ دقیقه‌ای است که به هیچ عنوان بلند به نظر نمی‌رسد.



فیلم‌شناخت مایکل مان به عنوان کارگردان

- سارق **The Tief** ۱۹۸۱
- محافظ **The Keep** ۱۹۸۳
- شکارچی انسان **Manhunter** ۱۹۸۶
- آخرین بازمانده موهیکان‌ها **The Last of the Mohicans** ۱۹۹۲
- مخمصه **Heat** ۱۹۹۵
- نفوذی **The Insider** ۱۹۹۹
- علی **Ali** ۲۰۰۱
- شریک جرم **Collateral** ۲۰۰۴
- میامی وایس **Miami Vice** ۲۰۰۶
- دشمنان مردم **Public Enemies** ۲۰۰۹



سرمقاله: بازسازی دقیق شمایل انسان

مهدی فیاضی کیا

آنا دزنیس مرتی دانشگاه لاتروب در آغاز مقاله‌ای که دربارهٔ مایکل مان نوشته از ویلیام روت در مطلبی که در ژورنال استرالیایی «رسانه و فرهنگ» منتشر کرده این طور نقل قول کرده است که: «وضعیت مشترک بین کارگردان مولف و کسی که دربارهٔ شاخصه‌های تالیف کارگردان مولف می‌نویسد عشق است.» دزنیس به این دلیل این جمله ویلیام روت را نقل کرده تا به نکته‌ای درباره‌ی رابطه‌ی منتقد با کارگردانی مثل مایکل مان اشاره کند. چیزی که به شکل عجیبی در این رابطه به چشم می‌خورد نوعی حس علاقه مفرط و به اصطلاح رابطه‌ی دلی بین منتقد و آثار مان است. ریشه‌ی این علاقه آن‌طور که جی. دی. لافرانس منتقد کانادایی می‌گوید از قضا عنصر مردانه‌ی آثار مان است. مان روابط بین مردها را نشان می‌دهد و حرفه‌ای‌گری را. قهرمان‌های مان کسانی هستند که در حرفهٔ خودشان خبره‌اند. از دزد گاوصندوق فیلم سارق تا لاول برگمن تهیه‌کنندهٔ برنامهٔ شصت دقیقه در نفوذی. قهرمان‌های مان به قول لافرانس نه فرصت‌چندانی با خانواده یا روابط خصوصی خود دارند و نه آدم‌هایی اجتماعی هستند. تنها هستند و حرفه‌ای هستند و طرف مقابل خودشان را - که آن هم یک حرفه‌ای و یک مرد است و تنها هم هست - درک می‌کنند. آرزوی فرانک در فیلم سارق این است که یک خانواده داشته باشد و از زندگی تبهکاری‌اش بازنشسته شود. مک‌کالی در مخصمه آرزو دارد به فیجی برود، جلبک‌های رنگین‌کمانی را تماشا کند و زندگی خودش را داشته باشد. این آدم‌ها جایی هستند که دوست ندارند و برای رسیدن به یک جای دیگر - یک جای بهتر - سعی می‌کنند. بعد هم عشق از راه می‌رسد یا لاقط چیزی که به نظر می‌رسد عشق است. آن‌ها دست آن عشق را می‌گیرند و راه می‌افتند؛ اما پیرنگ آثار مان همیشه در کمین آن‌هاست.

ادامه مطلب

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1827-mann.html>

سارق: یک زندگی کمتر معمولی

بُرنا حقیقی



فرانک (جیمز کان) گاوصندوق بازکنی حرفه ای است که برای امرار معاش به خرید و فروش ماشین های دست دوم مشغول است. تمام کارهای فرانک برای نزدیک شدن به یک هدف انجام می پذیرد: تشکیل یک زندگی عادی. او در راستای همین هدف انجام کاری را برای مافیا قبول می کند اما آنها هدف های دیگری در سر دارند.

مایکل مان با ساخت سارق (۱۹۸۱) نشان داد در دنیای مردانه ای فیلم می سازد که به نظر می رسد هاوارد هاکس و ژان پیر ملویل همه شیره آن را کشیده اند اما مان با تکیه بر جهان بینی خاص خود و تسلط کم نظیرش بر جنبه های مختلف سینما نه تنها از زیر سایه آنها بیرون آمد، بلکه با بنا کردن جهان سینمایی خاص خود، امروزه تأثیرگذار بر بسیاری از فیلمسازان و آثارشان بوده است.

آخرین بازمانده موهیکان‌ها: ما این جا بودیم ...

دامون قنبرزاده



خلاصه‌ی داستان: ناتانیل به همراه پدر و برادرش، آخرین نفرات از قوم موهیکان‌ها هستند که در گیر و دار جنگ بین انگلیس و فرانسه بر سر مستعمراتشان، جان دختران افسر ارشد انگلیسی را نجات می‌دهند و ناخواسته وارد جبهه‌ی انگلیسی‌ها می‌شوند. در این میان، ناتانیل دل در گرو عشق کورا، یکی از دختران افسر انگلیسی می‌بندد ...

یادداشت: تمام گرفتاری بومیان آمریکایی از وقتی شروع شد که کریستف کلمب سرزمین آمریکا را کشف کرد و سعی نمود تا آدم‌های به قول خودش "نامتمدن" آن منطقه را متمدن کند. همه چیز از این جا شروع شد و آن وقت کم کم پای اروپاییان به سرزمین‌های این مردمان رنگین‌پوست باز شد و همه چیز تغییر کرد؛ زمین‌هایشان غصب شد، از خانه و کاشانه‌شان بیرون رانده شدند و حتی سنت‌ها و باورهایشان هم اندک اندک رنگ باخت ...

ادامه مطلب

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1820-the-last-of-the-mohicans.html>

مخمصه: رستگاری در سی ثانیه!

حسام کاظمی



مخمصه داستان کلاسیک رویارویی و تعقیب و گریز دزد و پلیس است؛ ولی در زیر ساخت اثر ما شاهد یک رقابت پنهان بین دو رقیب هستیم، ویسنت هانا با بازی آل پاچینو در نقش یک پلیس و نیل مک کالی با بازی رابرت دنیرو در نقش یک دزد. این دو از هوش و قدرت درک بالای طرف مقابل به وجد آمده‌اند و شاید اگر جایگاه اجتماعی‌شان عوض می‌شد وینست یک سارق حرفه‌ای می‌شد و نیل یک پلیس حرفه‌ای.

ما در این فیلم با سارقی مواجهیم که دارای سبک شخصی است، سبکی که لازمه آن رهایی از قید و بندهای اجتماعی و عاطفی است، برای رستگاری تنها فرصت کمی باقی است و باید همیشه آماده باشی تا هر چیزی رو که داری بتونی تو سی ثانیه ترک کنی.

ادامه مطلب

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1821-heat.html>

نفوذی: ذهن هوشیار جامعه

وحید شفقی



فیلم اقتباسی است از یک داستان واقعی، برگمن (با بازی آل پاچینو) به همراه مایک و لاس تهیه‌کننده‌ی یک برنامه‌ی خبری جنجال برانگیز در کانال CBS به نام شصت دقیقه هستند. او همواره به دنبال سوژه‌های داغ و دردسرساز می‌گردد که در این حین به یک پرونده‌ی مشکوک در مورد کمپانی‌های تولید سیگار برمی‌خورد. برگمن برای به دست آوردن اطلاعات دقیق به سراغ یکی از کارمندان ارشد کمپانی مذکور به نام جفری وایگند (با بازی راسل کرو) که آخرین اخراج شده است می‌رود، پس از اصرار فراوان برگمن و دادن تضمین‌های لازم، از جمله عدم نمایش تصویر او در برنامه، جفری اطلاعات و اسرار بسیار تکان دهنده‌ای را در اختیار برگمن می‌گذارد و حتی در برنامه‌ی تلویزیونی وی حاضر و پرده از رازی تکان‌دهنده برمی‌دارد ولی کمپانی‌های عظیم دخانیات مانع از پخش این مصاحبه می‌شوند...

ادامه مطلب

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1822-the-insider.html>

علی: قدرت و افتخار

مجید رحیمی جعفری



محمدعلی بوکسور مسلمان و شهیر آمریکایی یکی از چهره‌های فراموش نشدنی این رشته ورزشی است. محبوبیت چهره‌های مختلف ورزشی، سیاسی، عقیدتی و در وجه مقابل اهمیت آن‌ها نه به واسطه محبوبیت همواره مورد توجه فیلمنامه‌نویسان استودیوهای مختلف بوده است. استودیوهایی که حق ساخت فیلم این شخصیت‌ها را از بیوگرافی‌ها خریداری و موافقت آن چهره - در صورت زنده بودن موافقت خودش و در صورت مرگ، موافقت خانواده یا بنیادش - را جلب کرده‌اند.

محمدعلی برای مان چه جذابیتی داشته است؟ ابتدا قرار بر این بود که اسپایک لی فیلم را کارگردانی کند؛ اما به دلیل این‌که با ویل اسمیت نتوانسته بود کنار بیاید از پروژه کناره‌گیری کرد. لی خود یکی از کارگردانانی است که فیلم‌های مختلفی را در حمایت از نژاد خود ساخته است. محمدعلی چهره مصمم و پرافتخاری دارد.

ادامه مطلب

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1823-ali.html>

شریک جرم: غمخوار جنایتکاران

وحید شفقی



خلاصه داستان: فیلم داستان یک راننده تاکسی سیاه پوست به نام مکس (با بازی جیمی فاکس) است که روزی وینسنت (با بازی تام کروز)، یک آدمکش مزدور سوار تاکسی او می شود و با یک گروگان گیری غیر مستقیم، وی را وادار می کند او را سراغ ۵ نفری ببرد که قرار است در دادگاه شهادت بدهند.

یادداشت: فیلم های متعددی در تاریخ سینما ساخته شده که یک کاراکتر بی طرف آن ناگهان در یک موقعیت دشوار و باور نکردنی حتی برخی مسائل اصلی روحی و درونی اش را نیز به چالش کشیده است. بسیاری از آثار آلفرد هیچکاک چنین حکایتی دارند از سی و نه پله و مردی که زیاد می دانست گرفته تا اعتراف می کنم و سرگیجه و شمال از شمال غربی.

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1824-collateral.html>

ادامه مطلب

فسادِ میامی: لذت از عیار کارگردانی مایکل مان

مهدی میرقادری



اولین موردی که در میامی وایس جلب توجه می‌کند، یک داستان تکراری است. داستان خلافکاران و پلیسی که به دنبال آن‌هاست و این را هم اضافه کنیم که **میامی وایس** نام سریالی بسیار مشهوری در دهه‌ی ۱۹۸۰ بود که مایکل مان فیلمش را با اقتباس از درونمایه اصلی آن ساخته است. در این فیلم حتی آنتونی یرکوویچ از نویسندگان اصلی سریال نیز با مان همکاری داشته است. وقتی از مایکل مان صحبت می‌شود کارگردانی او از موضوعات و مفاهیم بسیار جلوتر هستند. شما در سینمای مان به دنبال مفاهیم و معناها نمی‌گردید خود را غرق در سینما و لذت می‌کنید. شاید بتوانیم کریستوفر نولان را در سری بتمن دنباله‌رو مان بدانیم.

در **فسادِ میامی** تبهکاران توانسته‌اند دسته‌ای از افراد را در **FBI** بخرند و بتوانند اهداف خود را پیش برند. در همین گزارش‌ها برخی از مأموران نهادهای امنیتی کشته می‌شوند تا جایی که کاستیلو وارد عمل می‌شود.

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1825-miami-vice.html>

ادامه مطلب

دشمنان مردم: دلینجر مرده است

امید پشایی



در رمان خوشه‌های خشم اشتاین بک، بانک‌ها هم‌چون غول‌هایی گرسنه زمین‌های کشاورزان را می‌بلعند و آن‌ها را با فلاکت روانه شهرها می‌کنند. همان‌گونه که اقتصاددانان گسترش بانک‌ها در اقتصادهای بحرانی را هم‌چون بیماری قارچی می‌دانند که با گسترش، تمام جامعه را فرا می‌گیرند. این سرگذشت تراژیک ناشی از بحران اقتصادی دهه سی آمریکاست که طی آن بانک‌ها شروع به قبضه اموال مردم می‌کردند. این چنین بود که در آن زمان گانگسترها و دزدان بانک گرچه قانون‌شکنان واقعی جامعه بودند، اما ورشکستگان جامعه آن‌ها را هم‌چون رابین هودهای زمان قدر می‌داشتند. رابین‌هود(هایی) که در ابتدای فیلم دشمنان مردم، نام‌هایی بچه‌گانه و به ظاهر فارغ از خوی خشنشان دارند: الوین کاپریس، فلوید خوشگله و نلسون بچه صورت... و نام‌هایی دیگر چون مامی بیکر و پسران، دلی مسلسلی و یا زوج عاشقی به نام بانی و کلاید که بعدها هم‌چون اسطوره‌ای داستان‌شان زبان به زبان به نسل‌های دیگر رسید.



مجموعه
پژوهشی، تحلیلی و خبری